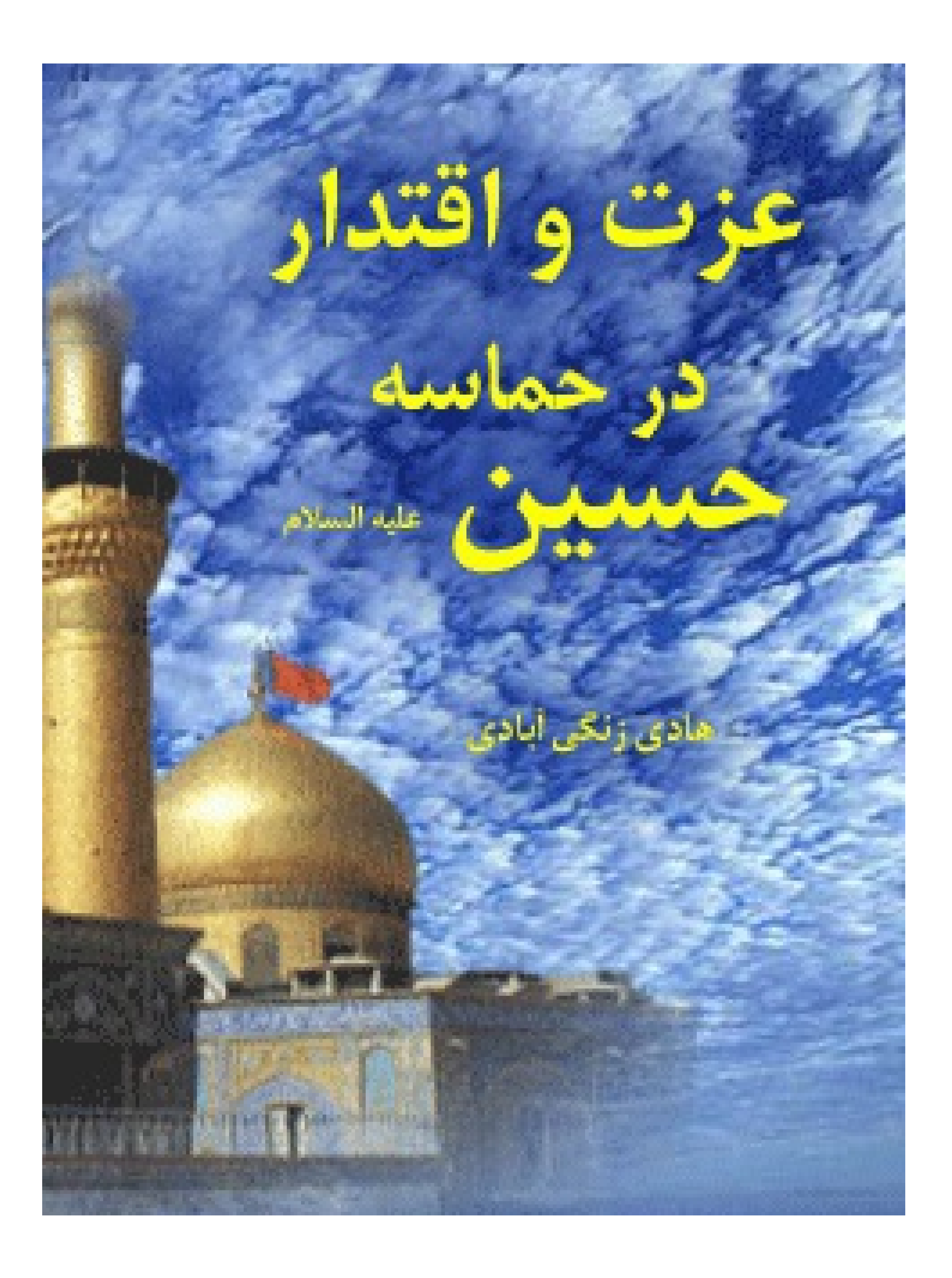

عزت و اقتدار
در حماسه
حسین علیه السلام
هادی زنگی ابادی


بسم الله الرحمن الرحيم

# عزت و اقتدار در حماسه حسین ( علیه السلام )

نویسنده:

هادی زنگی آبادی

ناشر چاپی:

مجهول ( بی جا ، بی نا )

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

## عزت و اقتدار در حماسه حسین علیه السلام

### مشخصات کتاب

عنوان : عزت و اقتدار در حماسه حسین(ع)

پدیدآورندگان : امام سوم حسین بن علی(ع)(توصیف گر)

هادی زنگی آبادی(پدیدآور)

ناشر : هادی زنگی آبادی

نوع : متن

جنس : مقاله

الکترونیکی

زبان : فارسی

توصیفگر : اقتدار وظلم ستیزی

قیام عاشورا

عزت نفس

امام حسین ( ع )

### مقدمه

حمد و ثنای بی شائبه بر ساحت کبریایی خداوند متعال که پیامبران الهی و معصوم را خلق کرد تا راه هدایت و سعادت را برای ره پویان صراط مستقیم نشان دهند.درود و سلام بر فرستادگان و پیامبران الهی؛ به ویژه خاتم الانبیا و اوصیای گرامی اش که طومار نبوت و اوراق دفتر رسالت با وجود او به پایان رسیده است.هدف از گردآوری و نگارش این مقاله، بیان گوشه ای از چگونگی و اهمیّت اقتدار سالار شهیدان و سرور آزادگان جهان حضرت ابا عبداللّه حسین (ع) است.امید که از کاسه عشق حسینی در کربلایی به وسعت همه تاریخ، قطره ای از زلال حقیقت و معرفت نوشیده و تا ظهور دولت یار، در نفی ذلت و خواری و کسب عزّت و سربلندی بکوشیم.امید است که قلم فرسایی حقیر مورد رضایت حق تعالی و ائمه معصومین (ع) قرار گیرد، در ضمن، حقیر از مجریان آن همایش که در راه شناخت بهتر و بیشتر امام حسین (ع) و ائمه معصومین (ع) گام بر می دارند کمال تقدیر و تشکر را دارم. ان شاءاللّه تعالی، همه ارادتمندان آن حضرت، در روز قیامت در زیر شفاعتش قرار گیرند.

## معرفی اجمالی امام حسین علیه السلام

ابوعبداللّه حسین بن علی بی ابی طالب، هاشمی، قرشی، مدنی، سبط، شهید،سید زکی، ابن فاطمه الزهرا، سبط الثانی، امام ثالث، سعید، مبارک، طیّب، شجاع، سخی،عزتمند، عاید، هادی، عارف، معصوم، فداکار، رئوف، با مروت، سید شباب اهل الجنّه،ابوالائمه و ابوالمساکین است.ایشان در هنگام طلوع فجر سوم شعبان، سال چهارم هجری، در مدینه منوره چشم به دنیا گشود. او در گهواره نبوّت و مهبط فرشتگان و دامان پر مهر عصمت و طهارت پرورش یافت. در هفت سالگی بود که جد بزرگوارش پیامبر خدا

(ص) رحلت کرد. بعد از هفتاد و پنج یا نود و پنج روز، مادر ارجمندش، با سفر ابدی خود بر مصیبت آنها افزود. تا ۳۷ سالگی در جوار مهـد ولا‌یت پـدر مظلومش، شاهـد حوادث و وقـایع مختلفی بود، تـا اینکه آن بزرگوار و تنهـا مظلوم تاریـخ، به جمع دوسـتان و به جوار حق شـتافت.بعد از آن، ده سال با برادر بزرگ و امام زمانش، سبط اکبر امام حسن مجتبی (ع) زندگی کرد بنابراین در ۴۷ سالگی به امامت رسـید و مـدت امامتش ده سال به طول انجامیـد، سـرانجام در ۵۷ سـالگی مطابق با دهم محرم سال شـصت و یکم از هجرت در سـرزمین کربلا به شـهادت رسـید. بنابراین آن حضـرت از جهت حسب و نسب از ممتازترین افراد بشـر اسـت که قرینه ای جز برادرش امـام حسن مجتـبی (ع) نـدارد.این حسـین کیست که عـالم همه دیـوانه اوست این چه شمعی است که جان ها همه پروانه اوست

## عزت حسینی

(وللّه العزه و لرسوله و للمؤمنین)و عزّت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است.میل به عزّت و انزجار از ذلّت از امور فطری است که خداونـد برای حکمت بـالغه خود در نهاد افراد بشـر به ودیعت نهاده است، تا انسان از کارهای ذلّت آور دوری جویـد و از فرومـایگی بپرهیزد.عزّت حالتی است که نمی گـذارد انسان شـکست بخورد و مغلوب واقع شود و ذلّت مخالف آن است، یعنی نبود حـالت شـرافت و عزّت در آدمی، به طوری که انسان به سادگی پـذیرای شـکست شـده و مغلوب دیگران می شود.عزت، آن حالتی است که به انسان استواری و محکمی می بخشد تا مغلوب هیچ چیز و هیچ کس نگردد. نه

مغلوب هوای نفس و گناه و تن دادن به پستی، و نه مغلوب حوادث و رویدادهای نیک و بد و خوشی ها و سختی های زندگی؛ و این گونه سربلندی و استواری را فقط از خداوند باید دریافت که عزّت حقیقی از آن اوست و باید از او طلب کرد و از راه بندگی او دریافت نمود. آری، مدرسه حسینی، مدرسه عزت مندی است و امام حسین (ع) مظهر کامل کرامت انسانی و عزّت ایمانی است، از اهداف مهم تربیت این است که انسان به گونه ای تربیت شود که اعتلای روحی یابد و خود را از پستی وفرومایگی به دور دارد و برای خود حرمت و شرافت و شخصیت قائل شود و بزرگواری خودرا در همه حال حفظ نماید و نیز به گونه ای تربیت شود که در برابر حوادث شکست ناپذیر گردد، و به صلابت و محکمی و استواری دست یابد، و سختی و راحتی، و نعمت و نقمت، و شکست و پیروزی، او را به سستی و تباهی نکشاند. چنین انسانی است که هرگز به پستی و خواری و فرومایگی و زبونی تن نمی دهد، و در برابر سخت ترین سختی ها و بزرگ ترین مصیبت ها پایدار می ماند؛ چنان که امام حسین (ع) این گونه بود، انسانی که به هیچ وجه به خواری و زبونی تن نسپرد؛ دارایی اش بر باد رفت، فرزندان و یارانش کشته شدند خاندانش به اسارت در آمد، بدنش با شمشیرها قطعه قطعه شد، اما روحش استوار و محکم ماند.چنین سربلندی و عزّتی، از آن خداوند است که به دوستدارانش می بخشد و آنان را ارجمند و شکست ناپذیر می سازد. خداوند عزیز فرموده است: (من کان یرید العزه فللّه العزه جمیعاً) هر

کس سربلندی و عزت می خواهد، سربلندی و عزّت یکسره از آن خداست. علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می نویسد:آیه درصدد این نیست که عزّت را فقط به خدا اختصاص دهد و غیر خدا دستش به آن نرسد، بلکه مفهوم آیه این است که هر کس عزّت می خواهد، باید از خدا بخواهد، چراکه آن ملک خداست و بس.حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) درباره این حقیقت در دعای عرفه خویش چنین فرموده است،«یا من خص نفسه بالسمّو و الرّفعه فاولیاؤه بعزّه یعتزّون؛ ای آنکه ذات خود را به علو مقام و رفعت، مخصوص گردانیدی و دوستدارانت را به عزت، عزیز ساختی».

## کرامت حسینی

آن چه سلامت آدمی را در همه احوال تامین می کند، عزت مندی است و از این رو جایگاه عزّت در تربیت، رفیع ترین جای گاه است و نظام تربیتی باید به گونه ای سازمان یابد که انسان ها را به عزّت حقیقی برساند و هر گونه عامل نفی عزّت مردمان، نفی شود،تا انسان هایی با شخصیت ایمانی و منش انسانی تربیت شوند. این امر بر همه چیز مقدم است که اگر عزّت وجود داشته باشد، همه چیز در پی آن می آید و بدون عزّت هیچ چیز پایدار نمی ماند و هر گونه قدرت و صلابت و هر گونه برتری و سیادتی رفتنی است.مدرسه حسینی، مدرسه تربیت انسان بر مبنای سربلندی و بزرگواری، و عزت و کرامت است. امام حسین (ع) در رفتار تربیتی خود به مردمان کرامت و عزت می بخشید و اجازه نمی داد کسی تن به حقارت و ذلت بدهد. روایت شده است که مردی از انصار، نزد امام حسین (ع) آمد و خواست نیاز خود را بیان کند و درخواست مالی نماید، آن حضرت به

او فرمود:«یا اخا الانصار، صن وجهک عن بذله المساله، و ارفع حاجتک فی رقعه فانی آتی فیها ما سَرَّک ان شاء اللّه؛ ای برادر انصاری، آبرویت را از بیان این خواهش نگه دار و نیاز خود را در نامه ای بنویس و نزد من آر و من ان شاء اللّه آن چه را خرسندت نماید،خواهم داد.»مرد انصاری در نامه ای به امام (ع) نوشت:ای ابا عبداللّه! فلانی از من پانصد دینار طلب دارد و اکنون اصرار بر گرفتن آن دارد، با او گفت و گو فرما، تا مرا مهلتی دهد. چون امام حسین (ع) این نامه را خواند، داخل خانه رفت و کیسه ای که در آن هزار دینار بود، همراه خود آورد و به آن مرد فرمود: با پانصد دینار وام خود را بپرداز، و پانصد دینار دیگر را کمک معاش خود ساز.امام حسین (ع) بر حفظ کرامت مردمان بسیار تاکید می کرد و می آموخت که کرامت آدمیان نباید شکسته شود، و راه مقاومت بر آنان گشوده گردد و روایت شده است که مردی نزد حضرتش آمد و از او مالی درخواست کرد امام (ع) فرمود:«ان المساله لاتصلح الا فی عزم فادح، أو فقر مرقع او حماله مفظعه؛ همانا درخواست مال روا نیست، مگر برای پرداخت هزینه ای بسیار ضروری، یا فقری به خاک نشاننده، یا تأدیه تعهدی ناگزیر» آن مرد گفت: من جز برای یکی از اینها نیامده ام، پس امام (ع) فرمود: تا صد دینار به او دادند.کرامت بهترین بستر رشد و تربیت آدمیان است و تمام شئون تربیتی باید مبتنی بر حفظ کرامت ها باشد، تا زمینه مناسب تعالی انسان ها فراهم شود. از این روست، که

بهترین عرصه کار تربیتی و بهترین میدان مسابقه زندگی، فراهم کردن کرامت و پیشی گرفتن در مکارم اخلاق است؛ چنان که حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) در آغاز خطبه ای فرموده است:«ایها الناس، نافسوا فی المکارم؛ ای مردم، در مکارم اخلاق بر یک دیگر پیشی گیرد».هر چند سخنانی که از امام حسین (ع) به ما رسیده، اندک و خطبه ها و کلمات قصارش محدود است، ولی هیچ مطلبی در کلمات و نامه های ایشان، به اندازه بزرگواری و کرامت نفس به چشم نمی خورد. اصلاً مثل این که روح امام حسین (ع) مساوی با بزرگواری و عزّت مندی است.افزون بر آن در رفتار و اخلاق عملی امام (ع) عزّت و کرامت مداری به روشنی مشهود است. از روزهای آغازین قیام و حرکت امام (ع) از مدینه تا لحظه شهادت، هر یک از اعمال او، مظهری از سرافرازی و بزرگواری بود و این خصلت فطری و خداپسند را با مقام عصمت و تعلیمات رسول خدا (ص) به فعلیت رساند چنانکه حضرت فرمود: ارتباط با رسول خدا (ص) مرا از این که تن به ذلت دهم باز می دارد. مگر می شود حسینی که خون پیامبر اسلام (ص) در رگ های او جاری است و از مکتب او درس ها گرفته است، تن به ذلت دهد؟تاثیر این ارتباط عزّت بخش در روح امام حسین (ع) تا آن جا بود که وقتی از او پرسیدند: سخنی که با گوش خود از پیامبر (ص) شنیده ای برای ما نقل کن، ایشان این حدیث را نقل کرد:«ان اللّه تعالی، یحب معالی الامور و اشرافها و یکره سفسفها؛ همانا خداوند متعال کارهای بزرگ و رفیع را دوست می دارد و کارهای پست را خوش نمی دارد».آری، ارتباط

بـا خـدا و رسولش، نفس آدمی را از زشتی ذلّت می پالایـد و به زیور عزّت می آرایـد، امـام حسـین (ع) خود پیش تاز عرصـه کرامت انسانی و عزّت ایمانی بود و پیروان خود را این گونه می خواست و انسانی که واجـد کرامت و عزت باشـد، هرگز خود را خـوار نمی سـازد و خرد نمی شـود و امـام حسـین (ع) جلـوه بـارز ایـن گـونه زیسـتن و بر این مبنـای تربیت کردن است. آن حضـرت با قیام خویش آموخته است که زنـدگی جز بر اساس کرامت و عزت، زندگی نیست و مرگ حقیقی در این است که کرامت انسانی و عزت ایمانی زیر پا گذاشـته شود.سـخنان امام (ع) در تبیین زنـدگی و مرگ حقیقی، آموزش هایی گران قدر است تـا انسـان بیـاموزد چگونه زیست کنـد و چه چیز را در زنـدگی، اصـل و اساس قرار دهـد. آن حضـرت در نخستین خطبه روشن گر خود در کربلاـ فرمود:«الاـ ترون ان الحق لایعمـل به و ان الباطـل لایتناهی عنه؟ لیرغب المومن فی لقاءاللّه مُحقّاً. فانّی لاـاری الموت الاـ سـعاده، و لاـ الحیـاه مع الظـالمین الاّـ برمـا؛ آیا نمی بینیـدکه به حق عمل و از باطل دوری نمی شود؟ در این صورت، شایسـته است که مؤمن بـا عزّت،لقـای پروردگـارش را بخواهـد. من مرگ را جز خوش بختی نمی دانم، و زنـدگی با ستم کاران را جز، به سـتوه آمدگی و بدبختی نمی بینم.»در دیدگاه امام حسـین (ع) تن سپردن به مناسـبات اجتماعی ظالمانه و روابط سیاسی و حکومتی ستمگرانه موجب خواری و زبونی است، زیرا در چنین اوضاع و احوالی،حرکت و کرامت مردمان، به راحتی زیر پا گذاشته می شود و حقوق انسانها به صورت های گوناگون مورد تعدی قرار می گیرد و دین هتک

و روابط انسانی محو می شود و عده ای به بندگی عده ای دیگر در می آیند. پس امام حسین (ع) فریاد می زند که ایستادن در برابر این امور، زندگی حقیقی است و آدمی نباید کرامت و عزت خود را بفروشد. از این رو، در آغاز نهضت خویش فرمود: «لا ـ اعطی الدنیه من نفسی ابدا؛ هرگز تن به پستی نخواهم داد.»امام حسین در مکتب امام علی (ع) آموخته است که به هیچ وجه تن به خواری و زبونی نسپارد، هر چند که با چنین تن سپاری به هر مقصدی که خواهد، برسد.امام حسین (ع) پیوسته بر این گونه زیستن پای فشرد و آن زمان که میان مرگ و پذیرش ذلت مخیر شد، مرگ را بر ذلت پذیری برگزید و در خطبه ای حماسی، خطاب به همه انسان ها و وجدان های بیدار و پایبندان به کرامت انسانی و عزت ایمانی، فرمود:«الا و ان الدعی ابن الدعی قد رکز بین اثنتین، بین السلّه و الذلّه، و هیهات من الذلّه، یابی اللّه ذلک لنا و رسوله، و المومنون، و حجور طابت، و طهرت، و انوف حمیه، و نفوس ابیه من ان نوثر طاعه اللئام علی مصارع الکرام؛ آگاه باشید که این فرومایه[ابن زیاد]فرزند فرومایه، مرا میان دو راهی شمشیر و خواری قرار داده است و هیهات که ما تن به خواری دهیم، زیرا خداوند و پیامبرش، و مؤمنان، از این که ما تن به خواری دهیم، ابادارند و دامن های پاک مادران و انسان های پاک دامن و جان های با غیرت و نفوس باشرافت، روا نمی دارند که ما فرمان برداری از فرومایگان را بر قتلگاه رادمردان مقدم بداریم.»منطق مدرسه حسینی این است و سلوک امام حسین (ع) پرچمی بر افراشته برقله

کرامت منـدی و عزتمندی است، همیشه در اهتزاز باشد و همگان آن را ببینند و بدان تأسـی کنند.عزّت و کرامت مندی و ذلت ناپـذیری در سـخنان، اشـعار، رجزهـا و کردار امام حسـین (ع) متجلی است. شخصـی آن حضـرت را از رفتن به کربلا بر حـذر داشت،حضرت در جوابش فرمود:سامضی و ما بالموت عار علی الفتی اذا ما نوی حقا و جاهد مسلمافان عشت لم اندم و ان مت لم الم کفی بـک ذلاّ ـ ان تعیش و ترغمـا به کربلا ـ خـواهم رفت و مرگ بر شـخص جـوان مرد، آن گـاه که نیّت دارد و در راه هدف بزرگی چون اعلای کلمه حق جهاد می کند ننگ نیست.پس اگر در این راه زنده ماندم پشـیمان نمی گردم و اگر کشته شـوم ملامـت نمی شوم برای ذلت و خواری تو همین بس که زنـده باشـی و مغلوب و مقهور گردی.در روز عـاشورا، چون آن حضـرت را بر پـذیرش بیعت با یزید و گردن نهادن به حکومت آن پلید دعوت نمودند و اظهار کردند که در این صورت امان خواهـد یـافت و روی خـوش خواهـد دیـد و آسـایش در پی خواهـد داشت؛ امـام حسـین (ع) در پاسـخ به دعوتشـان این گونه فرمودنـد:«لا، و اللّه لااعطیهم بیدی اعطاء الذلیل، و لا اقر اقرار العبید؛ نه، به خدا سوگند!که نه مانند ذلیلان تسـلیم می شوم و نه مانند بردگان گردن می نهم».اقتدار و صـلابت از برجسـته ترین وجوه حماسه حسـینی است. چنان که امام حسین (ع) از ابتدای قیـام تا لحظه های شـهادت، همواره در مسـیر حفظ عزت و اقتـدار اسـلام، اسـتوار ماندنـد. امام (ع) با هـدف مبارزه با ظلم وبی عدالتی پا در را ه مبارزه ای بزرگ نهادند، وتا سر حد جان ومال

خویش واهل بیت شریفشان برای احقاق حق و تضمین عزت مسلمانان حرکت نمودند.حسین نمونه والای سازش ناپذیری در برابر دشمنان و دفاع از حق و تن ندادن به خواری و ذلّت و ننگ و عار است. حضرت سیدالشهداء (ع) در روز عاشورا در میان محاصره لشکر یزیدیان در سخنانی این چنین پرچم عزّت و اقتدار را به اهتزاز در می آورند:«آگاه باشید که این فرومایه[ابن زیاد]فرزند فرومایه، مرا میان دو راهی شمشیر وخواری قرار داده است. و هیهات که ما تن به خواری دهیم، زیرا خداوند و پیامبرش و مؤمنان از این که ما تن به خواری دهیم، ابا دارند. و دامن های پاک مادران و انسان های پاکدامن و جان های با غیرت و نفوس با شرافت روا نمی دارند که ما فرمانبرداری از فرومایگان را بر قتلگاه رادمردان مقدم بداریم. آگاه باشید که من با همین گروه اندک پیش می تازم. با این که دشمنان سرسخت و پر شمارند. و یاوران دست از یاری کشیده اند.»شهید، استاد مطهری در تشریح این ویژگی حضرت سید الشهدا (ع) بیان داشته اند:«... آنها از امام فقط یک امتیاز می خواستند و اگر آن یک امتیاز را امام به آنها می داد، نه تنها کاری به کارش نداشتند، انعامها هم می کردند. و امام همه آن رنج ها را تحمل کرد و تن به شهادت خود و کسانش داد که همین یک امتیاز را از دست ندهد.»امام حسین (ع) مرگ را پذیرا شد، تا عزت انسانی و ایمانی پایدار بماند، به گفته شیخ عبداللّه علایلی:امام حسین (ع) عالی ترین نمونه پاسداری و دفاع از کرامت انسانی و جان بازی درراه آن را به ما نشان داد. زیرا نعمت سربلندی، در نظر آزادگان،

با ارزش تر از نعمت وجوداست.آن که دریافتی درست از عزت داشته باشد، آن را با هیچ چیز معامله نمی کند و این امر خود آگاهی است. شیخ عبداللّه علایلی در این باره و آن چه امام حسین (ع) در این باره به انسان ها آموخته است، می نویسد:امام حسین (ع) به ما آموخت که چگونه گوهر انسانی خویش را نگه داریم و به خودآگاهی برسیم و چگونه در دفاع از کرامت خویش تا رسیدن به هدف از پای ننشینیم وچگونه در راه اندیشه مقدس خویش عمل کنیم و چگونه یک رهبر اهل عمل را اراده ای استوار و برنده و سازش ناپذیر و کوبنده بایسته است.حفظ وجود، تنها بر خود آگاهی انسان متکی است، و بر آن پایه استوار قرار دارد. و انسانی که گوهر ذاتی خود را در نیابد، وجود خویش را هم در نخواهد یافت و تاریخ آزادگی،همان تاریخ درک گوهر ذاتی و خود آگاهی بر پایه حقیقتی است که همه چیزی جز اظهار قدرت خود تن در نمی دهد. امام حسین (ع) بهترین نمونه خود آگاهی است و آن را می توان به والاترین و زیباترین شکل در وجود امام (ع) یافت.کرامت نیز مفهومی جدا از خود آگاهی نیست، تنها تفاوتش این است که به حوزه وجدان متصل است. به همین جهت، کرامت، برای این انسان رشد یافته و مهذب، عنوان بهره وری او از همه آزادیها انسانی به شمار می رود.امام حسین (ع) قهرمان چنین میدانی است، و در واپسین ساعات عاشورا، آن هنگام که یکه و تنها در دفاع از دین و دیانت، انسان و انسانیت، حق و عدالت و آزادی و حریّت پیکار می نمود، چون سپاه عمر بن سعد

میان آن حضرت و خیمه گاه قرار گرفت، و قصد تهاجم به خیمه گاه و غارت آن جا را نمود، امام حسین (ع) آخرین تلاش خود را کرد،تا فطرت آنان را بیدار سازد، و با یادآوری خود حقیقی شان، کرامت انسانی شان را برانگیزد،و آنان را به آزادگی کشاند، پس فرمودند:«وَ یُحکم یا شیعه آل أبی سفیان، ان لم یکن لکم دین، و کنتم لاتخافون المعاد،فکونوا احرارا فی دنیاکم هذه؛ وای بر شما! ای پیروان خاندان ابی سفیان، اگر دین ندارید،و از روز بازپسین نمی هراسید، پس در زندگی این جهانی خود آزاده باشید.»وقتی آدمی به عزت ایمانی پشت می کند و کرامت انسانی را زیر پا می گذارد، از هرحیوانی درنده خوتر می شود و به هر پستی و زشتی دست می زند، اما چون چراغ جان آدمی، به عزت ایمانی روشن می گردد، هویتش، رنگ کرامت انسانی می گیرد، زندگی راجز بر اساس مناسبات انسانی و روابط ایمانی نمی خواهد، و اگر این گونه نباشد، مرگ را برزندگی زیر بار ستمگر و ذلت پذیری ترجیح می دهد، امام حسین (ع) با زندگی و شهادتش این معنا را در زیباترین جلوه اش تحقق بخشید. شاعر شیعی ابوالحسن تهامی در این باره چنین سروده است:و موت الفتی فی العز مثل حیاته و عیشه ٌفی الذّل ٍمثل حِمامه مرگ جوان مرد با عزت، همچون حیات اوست و زندگی با ذلت همچون مرگ اوست. اگر انسان به عزت ایمانی دست یابد، به سربلندی حقیقی و شکست ناپذیری دست می یابد؛ چنان که امام حسین (ع) مظهر چنین عزّتی و نهضتش شکست ناپذیر و جاودان است. امام حسین (ع) در روز عاشورا پس از آن که اعلام نمود: هرگز تن به ذلت نمی سپارد و قتلگاه

راد مردان را بر فرمان برداری از فرومایگان مقدم می دارد، به ابیاتی از فروه بن مسیک مرادی اشاره و شکست ناپذیری خود و نهضتش را اعلام نمود و چنین فرمود:فان نهزم فهزامون قدماو ان تغلب فغیره مغلبینا؛ اگر پیروز شویم، در گذشته نیز چنین شده است و بسیاری پیروز شده اند و اگر شکست بخوریم، شکست نخورده ایم، که ما را شکستی نیست.هر کس به امام حسین (ع) پیوست و حقیقت نهضت او را دریافت، به اوج کرامت انسانی و عزت ایمانی رسید و شکست ناپذیری را با همه وجود دریافت. سخنان یاران امام حسین (ع) در شب عاشورا گویای این حقیقت است. وقتی امام (ع) در آن شب خطبه ای ایراد کرد و به آنان اجازه داد تا بروند اظهار نمود که دشمن فقط در پی اوست و اگر به او دست یابد، از دنبال کردن دیگران غافل می مانند، آنان کرامت و عزت خود را نشان دادند.ذلت زدایی و تنفر از ذلت پذیری در فرهنگ شیعه به صورت شعار حیاتی و همگانی درآمده است و شیعیان با الهام از این اصل تربیتی، همواره عزت مدارانه زندگی می کنند، آنان این آموزنده حسینی را ملاک عمل قرار داده و جان می دهند، ولی خود را به خاک ذلت نمی افکنند و این اصل را از عمل امام حسین (ع) که در گرماگرم جنگ، در حالی که تمام یارانش به خون غلطیدند، شعار سیادت و کرامت و عزت مداری و آقایی را سر داد و از ذلت و پستی اعلان بیزاری کرد، آموخته اند و در آن جا امام (ع) فرمود:الموت خیر من رکوب العار و العار اولی من دخول النار-مرگ با عزّت بهتر از زندگی توأم با

ننگ و عار است و مرگ با ذلت و شکست ظاهری، بهتر از زندگانی است که نهایتش عذاب و دوزخ است.آری، خوش بختی حقیقی در عزت و سرافرازی، و بدبختی حقیقی در زندگی توأم با خواری و بردگی است، این درسی است که امام حسین (ع) به انسان ها آموخته است. ابو نصر بن نباته، شاعر مشهور قرن چهارم هجری در این باره سروده است:الحسین الذی رأی الموت فی العزِّ حیاهً و العیش ِفی الذل ِقتلاً حسین همان کسی است که مرگ با عزت را زندگی می دید و زندگی با ذلت را مرگ و کشته شدن می یافت.

## فرهنگ شهادت، منشأ عزت و اقتدار

در باب فرهنگ شهادت و شهادت طلبی در حماسه کربلا سخن ها بسی فراوان است. اما، اعتقاد به شهادت بود که عزت و سربلندی را در کربلا آفرید، زیرا که فرهنگ شهادت طلبی باورهای ارزشمند و گران سنگی را به اثبات می رساند.فرهنگ شهادت؛ یعنی اعتقاد به زندگی دوباره، اعتقاد به عدالت خداوند، اعتقاد به آزادگی و سرافرازی و....معتقد به شهادت، هرگز تن به ذلت نمی دهد و برده کسی نمی گردد و همواره خود را بنده و در محضر خداوند می بیند.حضرت ابا عبداللّه الحسین (ع) در جواب برادرش محمد حنفیّه فرمود:«یا اخی لو لم یکن فی الدنیا ملجأ و لامأوی، لما بایعت یزید بن معاویه؛ ای برادر! اگر در تمام این دنیای پهناور، پناهگاه و قرارگاهی نداشته باشم، من هرگز با یزید پسر معاویه بیعت نخواهم کرد.»وقتی انسان در دیدگاه وحی رشد و باور پیدا کرد که شهادت در راه خدا سود بزرگی است، با یقین به شهادت قیام می کند و به انبوه سپاه دشمن می تازد. چون از مرگ نمی هراسد و به زندگی پس از مرگ

یقین دارد.امام حسین (ع) در نامه ای به بنی هاشم نوشتند:«امّا بعد فان َّمَن ٥لحق بی استشهد و من تخلف لم یدرک الفتح؛ پس از ستایش پروردگار، همانا هر کس به من پیوست شهید خواهد شد، و هر کس به راه من در نیاید پیروز نخواهد گردید.»یعنی، با یقین قیام کرده ام و می دانم که آل یزید خون مرا می ریزند. اما راهی جزشهادت و شهادت طلبی وجود ندارد. و هر کس بخواهد بر دشمن غلبه کند، باید باشهادت طلبی وارد میدان مبارزه شود که برای پیروزی راهی جز شهادت باقی نمانده است. و در سخنرانی مکه افشاگرانه می فرمایند:هر کس بخواهد در راه ما شهید شود، صبحگاهان با ما حرکت کند. و در کربلا هم چنان توفنده فریاد می زند:«هیهات منّا الذّلّه؛ ذلت پذیری هرگز!»امام (ع) در قیام عاشورا توانست فرهنگ شهادت طلبی را زنده کند و رنگ جاودانه زند که تا قیام قیامت، هر آزادی خواهی با یاد حماسه عاشورا در خط خون و قیام و عزت و اقتدار فریاد می زند.با نگاهی گذرا به حرکت ها و قیام های پس از عاشورا و در اعصار بعد، به درستی می توان به این نتیجه رسید که فرهنگ شهادت طلبی با حماسه عزت و اقتدار کربلا رونق گرفت و انسان ها را به آزادی و آزادگی رهنمون و هدایت ساخت.«الموت أولی من رکوب العار؛ مرگ سرخ، به از زندگی ننگین است».

## نتیجه

می توان گفت: یکی از آثار حضرت ابا عبداللّه الحسین (ع) این است که نه فقط باحرف، بلکه در عرصه عمل هم روح استقامت و پایداری و حفظ کرامت و عزت نفس را درکالبد بی روح مسلمانان در همه اعصار دمید، چرا که حماسه عاشورا سراسر، شعار آزادی طلبی، استقامت،

اقتـدار و عزت نفس است و مکتب حسـین، مـدرسه ای است جـاری در رود زمـان، برای تربیت همگان، بر اساس فهم درسـت اسـلام و جـامعیت آن.امـام حسـین (ع) با عزت و اقتـدار به یادگار مانـده از خود، به ما آموخت چگونه به اصول گردن نهیم و چگونه پاسداری اسـلام را به جا آوریم. چگونه به دفاع از اسـلام و مسلمانان برخیزیم و چگونگی بزرگوارانه و با عزت زیستن را.باشـد که جرعه ای از آن دریـای معرفت بنوشـیم و بـا حریّت و کرامت و عزّت و شـجاعت و اسـتقامت و اقتـدار به کمالاـت انسانی متصف گردیم.

## چکیده

امام حسـین (ع) مظهر و الگوی کامل عزت، سـربلندی، کرامت و اقتدار است.حضـرت سید الشهدا (ع) پرچمدار عزّت در برابر ذلّت و خواری و زبونی دشمنان اسلام درحماسه کربلا است.درس مهم حماسه حسینی به شاگردان و تربیت یافتگان طریق اهل بیت (ع) ، زندگی انسان گونه در کنار اعتلای روحی و دوری از پستی و فرومایگی و نیز حفظ حرمت و شـرافت و شخصیت و بزرگـواری است.امـام حسـین (ع) در برابر سـخت ترین و بزرگ ترین مصـیبت هـا پایـدار مانـد و هرگزتن به زبـونی و خواری نسپرد. اموال و فرزندان و یاوران و خاندانش، شهید و یا به اسارت در آمدند. اما استوار و محکم ماند و عزت خدایی خود را تا ابـد به رخ جهانیان کشـید.عزت اگر چه از آن خـداست، اما به بنـدگان خاص و دوسـتدارانش نیز می بخشـد و آنان را عزیز و شکست ناپـذیر و مقتـدر می سـازد. سـخنان امـام حسـین (ع) در بیان مرگ و زنـدگی، عزت و ذلت در حماسه کربلا آن قـدر گران سنگ است که درس چگونه زیستن را به

همه انسان ها در همه ادوار می دهد.امام (ع) مرگ مؤمن با عزّت را لقای پروردگار و چیزی جز خوش بختی نمی داند وزندگی با ستم کاران را چیزی جز بدبختی و ذلّت نمی داند.امام (ع) با عزّت و کرامت خود، اقتدار و صلابت خود را ثابت کرد و به دشمنان خود در کربلا و همه انسان ها آن را تعلیم نمودند. این سخن امام حسین (ع) که اگر دین ندارید و از روز بازپسین نمی هراسید، پس در زندگی این جهانی خود آزاده باشید. شعاری است که همه فطرت ها را بیدار می سازد و کرامت انسانی را بر می انگیزد و به آزادگی می کشاند.امام حسین (ع) با شهادت خود حقیقت نهضت خود را آشکار ساخت و به اوج کرامت و عزّت و اقتدار دست یافت و جلوه های زیبای عزّت ایمانی را به نمایش گذارد.

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.


آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹